

آزادگان مژده انسان رها می شود	کام ستمدیدگان آخر روا می شود
از انقلاب ما شوری به پا می شود	گیتی ز رنج و بلا روزی جدا می شود
رزم ما شوکت ستمگران فنا کند	عزم ما عالمی ز بردگی رها کند
قیام ما زند صلا به بی پناهان	که از ستم شود رها همه جهان
ز بردگی ز بندگی اثر نماند	وراثت زمین رسد به صالحان
لطف حق یار ما، برادری شعار ما	قبله آرزو بود خیال ما
از انقلاب ما انسان رها می شود	کام ستم دیدگان آخر روا می شود
آویز آزادی هر جا بنا می شود	آخر زمین عرصه صلح و صفا می شود
چهره زندگی به سعی ما دگر شود	جام حق نزد وی به جهد ما ز هر شرر
جهان ما شود رها ز رنج و ذلت	به نور دین بشر رسد به معرفت
برادری برابری شود پدیدار	شود جهان چو گلشنی کلام وحی